امروز می‌خواهم در باب مسئله‌ای صحبت کنم که تا بدین لحظه درباره آن هیچ حقیقتی فاش نشده و نخواهد گردید در خلقت پروردگار جهان‌یان ذات ناشناس و ناشناخته‌ای موج می‌زند که وجود ما از این ذات احساس غربت و غریبی خاص و منحصر به فردی می‌کند در جهان پیرامون ما و فضای میان ستاره‌ای تمدن‌هایی وجود داشته و دارند که ابلیس بزرگ شیاطین دنیا از آنان علم، دانش، سحر، جادو، اسرار و یا حتی نیرو و قدرت خارق‌العاده به دست آورده و دستور گرفته تا به جنگ انسان‌ها و انجام فتنه مشغول باشد. در آسمان و جهان‌های ستاره‌ای موجودات نیک و شر که در نقطه و هر باب ستاره به دسته‌های فراوان و میلیونی می‌توان حد نصاب نژاد آنان را تقسیم کرد وجود حتمی و بسیار ممکن دارند. روایت بسیار تکان دهنده از امام محمد باقر درباره تفسیر آن آیه‌ای که خداوند به لوسیفر فرمود: تو بر بندگانم هیچ‌گونه تسلطی نداری. امام در باب آیه فرمودند که منظور حق تعالی از این فرموده چنین است: شیطان اجازه و تصرفی ندارد تا انسان‌ها را به بهشت یا جهنم راهی کند و بفرستد. می‌توانیم از این تفسیر معصوم نکات ریز و درشتی استخراج کنیم. زمانی که شیطان توانایی آن‌را دارد که از مسیر هفت آسمان و عوالم زیرین عبور کند و تا (قبل از ظهور حضرت عیسی بن مریم) به عرش بزرگ الهی برسد و مسیر را بپیماید نتواسته به تمدن‌های هوشمند و فرازمینی و موجودات بیگانه دست پیدا کند و به رویایی با آنان و انجام خدمات متقابل برسد؟ اطمینان داشته باشید به اضافه آن‌که فساد و فتنه بزرگ در زمین گسترده در تمدن‌های فرازمینی و بسیار پیشرفته هم دست بزرگی به کار برده و اقوام مختلف خلقت را دچار سرگردانی و حیران برای تقابل و جنگ با انسان نموده و در این میان لشگر و گروه‌هایی را با خود جمع کرده که از قدرتمندترین و بزرگ‌ترین و هراسناک‌ترین موجودات فضایی و تمدن‌های کیهانی و بیگانه آسمان هستند. دجال (حوروس) همان فردی که قبل از تولد حضرت مسیح در زمین حکومت بر پا کرد و ادعای خدایی برای مردم نمود همین فرد را شخص ابلیس از عوالم ستاره‌ای برای شکست و گمراهی نسل انسان‌ها به زمین راهی کرد. دجال یک شخص عادی و یا حتی مخلوط جن و انس هم نیست و بلکه فراتر از آن است.

او از نژاد و صورت مسئله‌ای از بیگانگان تمدن‌های فضایی است. زمانی که کراولی در اهرام مصر (شبکه اتصال و میدان مغناطیسی به عوالم بیگانه و ستاره‌ای آسمان) وزیر دجال را احضار کرد و دروازه آن‌را دوباره بازگشایی نمود از آن‌جا بود که دجال و حوروس توانست بعد از هزاران سال حکومت خود را با کمک یاران انس و جن شیطان برای دومین بار بر پا کند و نظام جدید خود را برای خداوندنگاری او متشکل کند. در پاره‌ای از روایات به بیان مرکب (سفینه فضایی) دجال می‌پردازد که دجال پالانی دارد که هر شب می‌دوزد و صبح پاره می‌شود، روزی که دنیا آخر می‌شود خردّجال (دّجال بزرگ) از چاهی که در اصفهان است بیرون می‌آید هر مویش یک جور ساز (موسیقی) میزند، از گوشش (موتورش) نان یوخه می‌ریزد و به جای پشگل خرما می‌اندازد، هرکس به دنبال او برود به دوزخ خواهد رفت. مطابق کتاب مجمع النورین: از همه الاغ‌ها بدتر خر دجال است که ملعون روز خروجش بر آن خر سوار می‌شود. رنگ آن خر سرخ است، چهار دست و پایش آبی (چرخ و بالش) است، سر و کله او به قدر کوه بزرگی می‌باشد، پشت او موافق سر اوست. گامی که بر می‌دارد نزدیک شش فرسخ (سرعت ۳۰کیلومتر در ساعت) را طی می‌کند. از موی مکار (تار و فناوری پیانو و موسیقی دیجیتال) صدای ساز (موسیقی) به گوش‌های مردم می‌رسد، سرگین که می‌اندازد انجیر و خرما به نظر می‌آید، قد خود دجال بیست ذرع (۱۵ الی ۲۰ متر) است، در فرق سر دو چشم دارد و شکاف چشم‌ها به طول و درازی اتفاق افتاده، یک چشم او کور است، صورت دراز و آبله بر صورت دارد. حوروس نیز در آسمان‌ها سوار بر دیسکی بال دار پرواز کرده و گشت و گذار می‌کرد. دیسک پرنده‌ای که به رنگهای گوناگونی می‌درخشید. در هیروگلیفی که از معبد ادفو به دست آمده است چنین پدیده‌ای توصیف شده است: ...و آن‌گاه هوروس حسابگر و اندازه گیر پرنده به سمت افق به پرواز درآمد در حالیکه سوار بر دیسکی بالدار از جانب رع بود. اینگونه بود که از آن روز به بعد او را فرمانروای آسمان‌ها نامیدند... آن‌گاه حوروس دوباره سوار بر دیسک بالدار ظاهر شد که به رنگ‌های زیادی و مختلفی می‌درخشید.

آن‌گاه تحوت به رع گفت: ای خدای خدایان! حوروس سوار بر دیسکی که برنگ‌های گوناگون می‌درخشد بازگشته است..." حوروس را لوسیفر قبل از میلاد مسیح به زمین آورد تا بتواند با کمک گرفتن از قدرت‌های جادویی و بسیار اعلی‌تر از عقل و درک بشر نسل تمامی انسان‌ها را به سوی دوزخ و میعادگاه اصلی خود دعوت و راهی کند. به شکر پروردگار تا بدین امروز با توجه به وجود داشتن میدان محافظ مغناطیسی در سرتاسر زمین و جهان خاکی ما دست این ملعون فضایی و دوزخی از بشر کوتاه است ولی آثاری که خورشید برای مردم در پشت ابر دارد بر ما تاثیرگذار بوده و سخنان و دستورات (کتاب قانون) او دسته کمی از خود ندارد. باز هم تاکید می‌کنم دجال متعلق به زمین نیست و از تمدن‌های گمراه و طغیان‌گر و فرمان‌بردار از پیشوایان تاریکی آمده و باید منتظر خروج او و دیگر موجودات امثالهم که دارای قدرت‌های خارق‌العاده و ظاهری غیر عادی و غیر نرمال هستند از پشت دیوار و میدان مغناطیسی محافظ زمین (منطقه امن) به سوی مردم باشیم. در بیان امیرالمومنین دجّال صائد بن صید است و بدبخت کسی است که او را تصدیق کند و نیک‌بخت کسی است که او را تکذیب نماید. او از شهری خروج کند که به آن اصفهان گویند. از قریه‌ای که آن را یهودیه می‌شناسند. چشم راستش ممسوح [نابینا] است و چشم دیگرش که بر پیشانی اوست آنچنان می‌درخشد که گویی ستاره سحری است. زمانی که شما کلمه صائد را در کتب لغت نامه جستجو می‌کنید به معنای بسیار قابل توجه‌ای بر می‌خورید؛ صَائِد: [صید]: شکارگر، شکارچی. کلمه شکارچی شما را یاده چه مورد و نشانه آسمانی انداخت؟ بله درست حدس زدید صورت فلکی شکارچی. جالب‌تر از این مسئله در باب علوم نجوم صورت فلکی شکارچی با اهرام مصر در ساختار و تطابق مشترکی هستند. در دهه ۱۹۸۰، نظریه خارق‌العاده‌ای در مورد پیدایش و دقت بسیار بالای ساخت اهرام ثلاثه مصر پدید آمد. این نظریه ادعا می‌کند که بین موقعیت مکانی ۳ هرم بزرگ در جیزه و ۳ ستاره اصلی در صورت فلکی شکارچی که به کمربند شکارچی مشهورند، ارتباطی وجود دارد. در بسیاری از تصاویر اولیه به دنیا آمدن حوروس می‌توان کمربند شکارچی و ستاره «را» را در آسمان دید.

مصریان معتقد بودند دنیای مردگان در آسمان قرار دارد و روح هر کس پس از مرگ به آسمان صعود نموده و در ستاره‌ای دیگر به زندگی ادامه می‌دهد و محل قرارگیری اهرام نمایشگر مهمترین ستاره مردگان برای آن‌هاست طبق این اعتقادات پادشاهان و مردم عادی بعد از مرگ نزد خدای ازیریس (خدای آفتاب) می روند. این خدا با یک ستاره نمایش داده می‌شود که در صورت فلکی جبار (شکارچی) است. هر فرد یک ستاره روح دارد و هر پادشاه مرده می تواند به یکی از ستاره‌های منظومه جبار برود بنابراین اهرام به شکلی قرار گرفته‌اند که نمایش دهنده ستاره خاصی باشند که صاحب هرم به آن رفته است. بگذریم، می‌توان از این باب مسائل به نتیجه مهم و به حقیقت تمام معنایی رسید که به گفته رمزگانه امیرالمومنین دجال (حوروس) متعلق و زاده صورت فلکی شکارچی و این تمدن کیهانی و ستاره‌ای می‌باشد. حوروس فرستاده شده از ستارگان صورت فلکی شکارچی‌ست که دارای پیشرفته‌ترین و مدرن‌ترین و قدرتمندترین سلاح‌ها و تجهیزات الکترونیکی می‌باشد. همان‌طور که حقیر تاکید داشتم اهرام مصر جایگاه یا ایستگاه فضایی و تبادل موجودات آسمانی و عوالم زیرین است که شیاطین و بزرگان اجنه از این طریق به سوی عوالم ستاره‌ای و جهان‌های اعلی جهت کسب و آموختن علوم ممنوعه گام بر می‌داشتند و دجال دست پرورده‌ی همان اشخاص است و حوروس در حالی که از نطفه ابلیس می‌باشد ساکن صورت فلکی شکارچی بوده و سالیان دیرینه‌ای را با آموختن سحر، جادو، طلسم، فیزیک، شیمی و امثالهم گذرانده و برای رویارویی با قدرت اول کائنات یعنی حضرت مهدی آماده گشته و منتظر بازگشایی دروازه‌های غیبی آسمان است. زمانی که کوروش بزرگ بابِل را گرفت و یهودیان با ریشهٔ عربی عراق امروز را از اسارت نبوکدنصر شاه بابل نجات داد، شماری از یهودیان به فلسطین بازگشتند و شماری دیگر از آن‌ها به اصفهان آمدند و در این منطقه که به دارالیهود یا یهودیه نامگذاری شد، اسکان یافتند. این منطقه در کنار منطقهٔ جی یا گی بود که بعدها این دو منطقه به یکدیگر متصل شد و شهر اصفهان را ایجاد کرد.

ابن فقیه همدانی تاریخدان ایرانی قرن دهم میلادی می‌نویسد: وقتی یهودیان از اورشلیم مهاجرت کردند و از نبوکدنصر فرار کردند، با خود مقداری از خاک و آب اورشلیم را بردند. آن‌ها در هیچ جا ساکن نشدند بدون اینکه قبل از آن خاک و آب آن را مورد آزمایش قرار دهند. آن‌ها اینکار را ادامه دادند تا به شهر اصفهان رسیدند. در آنجا استراحت کردند و خاک و آب آن را آزمایش کردند و آن را مشابه اورشلیم یافتند. وقتی آنجا ساکن شدند شروع به کاشتن در زمین کردند و فرزندان و نوادگان خود را به دنیا آوردند و امروزه نام این منطقه یهودیه است. در روایات ذکر شده که دجال اجازه ورود به مکه و مدینه را ندارد و این دو شهر جزء مناطق سرتاسر امن (دارای میدان مغناطیسی قدرتمند و شبکه محافظ) در مقابل موجودات طغیان‌گر و بیگانه فضایی و ستاره‌ایست. من چیزهای همراه دجال را از خودش بهتر می‌شناسم. او دو نهر جاری را به همراه دارد. یک نهر در ظاهر آب گوارا و سفید است و نهر دیگر در ظاهر آتش شعله‌ور است. اگر کسی از شما در زمان ظهور دجال زنده بماند، آن‌چه را که در ظاهر آتش است، انتخاب کند؛ نگاه نکرده و از آن بنوشد؛ زیرا آن آتش در واقع آب خنک است. دجال برای اثبات خدایش به آسمان دستور می‌دهد که ببارد و آسمان شروع به باریدن می‌کند. و به زمین دستور می‌دهد که محصول بدهد و زمین هم اطاعت می‌کند او بر نفس‌ها (جان‌ها) تسلط پیدا می‌کند و نفس‌ها رو می‌میراند و زنده می‌کند و به مردم می‌گوید هنوز به من شک دارید که خدای شما نیستم؟ من برای دیدن شما به زمین آمدم مگر نمی‌خواستید من را ببینید؟ من آمدم که شما را نجات بدهم به من ایمان بیاورید. ما تنها نمی‌مانیم و حضرت عیسی بن مریم از آسمان چهارم و مقربان بزرگ درگاه الهی و فرشتگان اعظم و نشان‌دار به جنگ سیل عظیم موجودات افسانه‌ای و هراسناک و بیگانه فضایی و تمدن‌های غریب کیهانی می‌روند و پیروزی از آن یاران خدا و حضرت مهدی و عیسی بن مریم است. عجیب نیست که سازمان ماسونی ناسا به دست ایلومیناتی‌ها ساخته شد تا بتوانند اخبار و حوادث و سرگذشت تمدن‌های آسمانی و ستاره‌ای بزرگان خود را هر چه بهتر و صریح‌تر در آسمان و از طریق دروازه‌های ستارگان و ابواب جهنمی به وسیله کرم‌چاله‌ها ردیابی و ثبت کنند.

آیا تا به حال از خود نپرسیدید که چرا درباره اهرام مصر روایت و حدیثی وجود ندارد؟ و این اسرار توسط هیچ پیامبر و معصومی برای تقابل خیر و شر فاش نشده. شاید مقصود این بوده تا دجال از صورت فلکی شکارچی به اهرام منتقل گردد و به دستان حضرت کشته شود و به این جهت چیزی از آن بیان نشده تا تداخل در تقدیرات و آزمایشات الهی صورت نگیرد. در کل اهرام تنها در مصر نیست و در دیگر نقاط طلایی و دارای وجه مشترک با ستارگان و عوالم میانه‌ای در تمدن‌های باستان وجود دارد. آنان از این طریق یاران قدر و ناشناخته‌ی شیطان و سپاه تاریکی را فرا می‌خوانند و از این میان به زمین دعوت می‌نمایند. در انیمیشن ماسونی بز خانگی شاهده آن هستیم که ضد مسیح قبل از بیدار شدن با مرکب و قایق آنوبیس و ذکرشده در روایات از صورت فلکی شکارچی و محل سحابی شیبالبا (که تمدن مایاها معتقد بود جایگاه سکونت خدایان فرازمینی است و مسیری به سوی عوالم زیرزمینی می‌باشد) و ابعاد میان ستاره‌ای و ۴ عالم و طبقات مجزاء حیات و دنیای کابالیسم که هم‌زمان آتشی از زبان او خارج می‌شود به دنیای ما منتقل می‌گردد و از چاه و غاری (که در روایات یهودیه اصفهان {وجه اشتراک با اورشلیم و اسرائیل} می‌باشد) خروج می‌گردد و نظام جدید خود را آغاز می‌نماید. در انیمیشن راز آلود بز خانگی صورت فلکی شکارچی نشانه‌ای بسیار مبهم و جدی برای تاج‌گذاری و به پادشاهی رسیدن رع/حوروس است که بیان حضرت امیرالمومنین در این‌باره که دجال صائد بن صائد است یعنی فرزند و زاده و پرورش یافته و متعلق به صورت فلکی شکارچی می‌باشد و به آن نشانه وابستگی و اتصال دارد. تمامی حوادث و اتفاقاتی که صهیونیست‌ها و کابالیسم‌ها بشر را قربانی کردند و آن‌را متحول نمودند مطابق با جریانات نجومی و آسمانی برای گشایش هوشمندانه ابواب جهان‌های زیرزمینی و ستاره‌ایست. مانند حادثه ۱۱ستامبر که صورت فلکی شکارچی و صورت فلکی عقرب در هماهنگی و محوریت اصلی آسمان بودند و در موازات یک‌دیگر قرار می‌گرفتند (ستاره سیریوس با صورت فلکی شکارچی).

این اعتقاد وجود دارد که ستارگان در آسمان قابلیت تغیر شکل به انواع موجودات را دارند و به احتمال قریب حوروس قدرت آن‌را داشته است تا به ستاره‌ی پر نوری به نام (سیریوس یا اوریون) تبدیل بگردد و نشانه‌ای دور برای اهل‌زمین داشته باشد. من این احتمال را می‌دهم که ستارگان موجود در آسمان توانایی آن‌را دارند که به صورت انسان و موجودات دیگر بر زمین فرود بیایند و تغیر شکل دهند زیرا روایتی از حضرت صادق در این باره وجود دارد که: شخصی از امام صادق(ع) سؤال می‌کند که آیا علم نجوم حقیقت دارد؟ ایشان در پاسخ می‌فرمایند: بله، سپس اشاره می‌کنند که خدا سیاره‌ی مشتری را در صورت مردی به زمین می‌فرستد و این مشتری مردی از عجم را پیدا می‌کند و به او علم نجوم یاد می‌دهد تا این‌که گمان می‌کند او عالم شده، سپس به مرد عجم می‌گوید: نگاه کن ببین کجاست مشتری. او می‌گوید: نمی‌دانم ... سپس این مشتری مردی از هند پیدا می‌کند و به او نجوم یاد می‌دهد و بعد به این مرد هندی می‌گوید: نگاه کن ببین کجاست مشتری، مرد هندی می‌گوید: همانا محاسبه‌ی من دلالت می‌کند که تو مشتری هستی، ... و علم آن مرد مشتری به خانواده‌ی مرد هندی می‌رسد. از حدیث استفاده می‌شود که مردم هند در علم نجوم سابقه‌ی طولانی دارند. حضرت علی؛ این ستارگان که در آسمان هستند، شهرهایی هم‌چون شهرهای زمین هستند و هر شهری با شهر دیگر. هر ستاره‌ای با ستاره‌ی دیگر . با ستونی از نور مربوط است که طول هر عمود به اندازه‌ی دویست و پنجاه سال است. بی‌جهت امیرالمومنین علی بن ابی طالب نفرمود که دجال (صائد بن صید) فرزند و زاده صورت فلکی و مجموعه ستارگان شکارچی است. یاجوج و ماجوج هم از همین دسته موجودات جهان‌های ستاره‌ای و پیرامون ما هستند که بر اساس روایات و آیات از نسل اقوام بشر روی زمین نبوده و متعلق به عوالم زیرین و عوالم میان ستاره‌ایست. او می‌گوید: «ای دوستان من! بیایید به سوی من! منم آن‌کسی که بشر را آفریدم و اندام او را معتدل و متناسب گرداندم و روزی هر کسی را تقدیر کرده و همه را به یافتن آن راهنمایی می‌کنم. من آن خدای بزرگ شما هستم!» دجال دشمن خدا دروغ می‌گوید. او یک چشم دارد، غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود.

در صورتی که خداوند شما نه یک چشمی است و نه غذا می‌خورد و نه در بازارها راه می‌رود، و فناپذیر هم نیست. خداوند از آن‌چه گفته متعالی است، بسیار بسیار متعالی. غالب پیروان او در آن روز اولاد زنا هستند و چیز سبزی بر سر و دوش دارند. خداوند او را در شام، در تلی معروف به «تل افیق» سه ساعت از روز جمعه برآمده، به دست کسی که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می‌گزارد، می‌کشد. همان‌طور که در روایت ذکر گردید یکی از نشانه‌های دجال بزرگ آخرالزمان ادعای خداوندگاری اوست و به مانند حکومت نخستین خود که خویش را جزء سرپرست خدایان مصر انتخاب کرده بود و جزء خدایان عالم نام گرفته بود و جمعیت حرام‌زاده مصر موظف به پرستش و تبعیت از حوروس/رع بودند. و در روایت به صورت صریح ذکر می‌گردد که خود را جزء خدایان معرفی می‌گرداند و ادعای پروردگاری هم می‌کند!!! سخنان این ملعون برای اولین‌بار نیست بلکه شعار و سرخط شناسنامه‌ای اوست. دجال در هر تمدن فضایی و زمینی که حضور داشته ادعای خداوندگاری و پروردگاری جهان نموده و از دوران ماقبل حضرت عیسی حکومت در زمین و تمدن‌های آسمانی بر پا کرده و خود را خدا به مردم اظهار داشته است. یکی از عواملی که چشم راست او نابینا و کور است در افسانه‌ها این‌گونه ذکر می‌گردد که در بین صفات تمامی ایزدانی که با نام حوروس شناخته می‌شوند، مقام سلطنت، نماد آسمان و خورشید و پیروزی به چشم می‌خورد. او «ایزد عقاب‌نما» یا خدای قوش‌سر بود که در میان یونانیان با آپولون یکی پنداشته می‌شد و در نگاره‌های بازمانده از مصر باستان، سر عقاب دارد. او با نام هور که در مصری تلفظ واژه‌ای دارد، به معنای آسمان در نظر مصریان باستان، عقاب‌نما می‌نمود که فراز سرشان در آسمان پرواز می‌کرد. حوروس پس از بزرگ شدن برای انتقام گرفتن به جنگ با ست می‌رود. به همین خاطر حوروس را خدای انتقام نیز می‌دانند. ست به یکی از چشم‌های حوروس ضربه می‌زند و آن را کور می‌کند. حوروس نیز ضربه‌ای به بیضه‌های ست می‌زند. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره دجّال می‌فرماید: «ای مردم آگاه باشید که بیشتر پیروان دجّال زنازاده و اهل تاج و تجمّل می‌باشند، آگاه باشید که آنان یهودی‌ها هستند. لعنت خدا بر آنان باد.»

سپس فرمود: «دجّال [همانند مردم] می‌خورد و می‌آشامد و بر الاغ قرمزی (سفینه‌فضایی) سوار است و طول او شصت گام است و دید چشم او زیاد است و چشم راست او اعور و نابیناست؛ [او خود را خدای مردم معرّفی می‌کند] در حالی که خداوند اعور نیست و چیزی نمی‌خورد.» یاجوج و ماجوج یکی از وحشی‌ترین و سرکش‌ترین مخلوقات تمدن‌های بیگانه فضایی هستند که آن‌ها چه به خوب و به چه بد ترحم نمی‌نمایند و پرورش یافته مکتب شیاطین و بزرگان اجنه و شخصیت منحوس حوروس/رع هستند و خواهند بود. این افراد هم توسط لوسیفر از جهان‌های ستاره‌ای به زمین نزول کردند و یاری‌گر او در فتنه‌های زمین می‌باشند. آن‌ها به وسیله کرم‌چاله‌ها که ساختارهای فضازمانی پل مانندی هستند و دو گسترهٔ جدا از یک فضازمان یا دو فضازمان جدا از هم را به یکدیگر پیوند می‌دهند آمده‌اند. کرمچاله‌ها مسافت و زمان بایسته برای رسیدن از یک نقطه به نقطهٔ دیگر را کوتاه می‌کنند. جالب آن‌جاست که حضرت نبی اکرم در شب معراج و در آسمان توانست به دیدار یاجوج و ماجوج برود و آنان را به عبادت و دین اسلام دعوت کند که از پذیرش امتناع کردند. مردی به نزد امام زین‌العابدین(ع) می‌آید، اصحاب آن حضرت نیز حضور داشتند. امام(ع) می‌فرماید: این مرد کیست؟ او می‌گوید: من منجمی اثرشناس و فالگیر هستم. امام(ع) به او می‌گوید: آیا می‌خواهی معرفی کنم مردی (امام سجاد) را که از وقتی که تو در جمع ما داخل شدی در ۴۰۰۰ عالم سیر کرده است! زمانی که مولای ما زین العابدین در اندک زمان ممکن ۴هزار عالم ستاره‌ای را سفر کرده و در هر عالم توقف نموده و از بعد مکان و زمان خارج گردیده و نمی‌دانم و نمی‌خواهم نظری اشتباه بدهم که با روح قدس خود این عوالم بی‌کران و بیگانه را سیر نموده یا با قالب جسمانی؟ اما می‌توان با مراجعه به تجارب نزدیک به مرگ این رویدادها رو بهتر درک و پذیرش کرد. قدرت امام و حجت بزرگ خدا با دجال به هیچ وجه ممکن قابل قیاس نیست و به مانند قطره‌ای در برابر دریایی بزرگ است.

اشخاصی که در دولت حضور دارند در تبانی با بیگانگان فضایی قراردادی تنظیم کرده‌اند تا فناوری و تکنولوژی آسمانی و کمک و قدرت شگفت را دریافت کنند و بدین صورت نظام حکومت جدید بیگانگان کیهانی که سرپرست آنان دجال است را در قبال این خدمات زمینه‌سازی و آماده نمایند. علت پیشرفت بسیار سریع علم دیجیتال در ۳۰ الی ۴۰ سال اخیر به علت وجود همین بیگانگان ستاره‌ای و فضایی‌ست. سخنان حقیر بسیار خلاصه و پیچیده و می‌توان گفت بسته‌اند و برای درک و فهم آن نیاز به مطالعات گسترده و تحقیقات عمیق در کتب مصریان باستان و پیشنه‌ی خدایان و ارتباط آنان با ستارگان آسمان است.